

Received: 2024/8/2
Accepted: 2024/10/15
Vol.22/No.86/Winter 2026

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Studying the Influence of the Mystical Aspects of Wis o Ramin on Nizami's Works

Nushin Bahrami Ahmadi, Hooshmand Esfandyarpour, Maryam Shayegan*

PhD Student, Persian Language & Literature, Bardsir Branch., Islamic Azad University, Bardsir, Iran.
Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Bardsir Branch., Islamic Azad University, Bardsir, Iran. *Corresponding Author, hooshmandesfandyarpour@gmail.com
Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Kerman Branch., Islamic Azad University, Kerman, Iran.

Abstract

Persian literature is one of the richest and most diverse literatures in the world, where mysticism and love have a special place. Over time, this literature has achieved its mystical crystallization and great poets such as Nizami Ganjavi and Fakhruddin As'ad Gorgani have deepened and broadened these topics. This article investigates the aspects of Islamic mysticism in Nizami's works and Gorgani's "Wis o Ramin", using the descriptive-analytical method, and examines the influence of the mystical aspects of "Wis o Ramin" on Nizami's works. In this way, the aim of the research is to investigate the military effectiveness of the mystical themes and components of Weiss and Ramin's system. From the results of the research, it can be pointed out that Weiss and Ramin's poem, as one of the outstanding literary and historical works of Iran, has many elements of love, mysticism and mythology, which has had a significant impact on Iranian literature and culture. Nizami, by using mystical elements and components in Wis o Ramin", has created works that represent the depth of his mystical thought. This influence shows the deep connection and continuity between the great works of Persian literature and the continuity and evolution of mystical topics over time.

Keywords: mysticism, influence, Nizami, "Wis o Ramin", Gorgani.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۴

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی
دوره ۲۲- شماره ۸۶- زمستان ۱۴۰۴- صص: ۲۴۰-۲۲۳

بررسی تأثیرپذیری نظامی از بارقه‌های عرفانی منظومه «ویس و رامین»

نوشین بهرامی‌احمدی^۱

هوشمند اسفندیارپور^۲

مریم شایگان^۳

چکیده

ادبیات فارسی، یکی از غنی‌ترین و متنوع‌ترین‌ها در مجموعه ادبیات جهان است که در آن عرفان و عشق جایگاه ویژه‌ای دارند. این ادبیات به مرور زمان به تبلور عرفانی خود دست‌یافته و شاعران بزرگی همچون نظامی گنجوی و فخرالدین اسعد گرگانی به تعمیق و گسترده‌گی این مباحث پرداخته‌اند. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیل به بررسی بارقه‌های عرفان اسلامی در اشعار نظامی و منظومه «ویس و رامین» گرگانی پرداخته و تأثیرپذیری نظامی از این اثر کلاسیک در مباحث عرفانی را بررسی خواهد کرد. به این ترتیب، هدف پژوهش، بررسی تأثیرپذیری نظامی از مضامین و مؤلفه‌های عرفانی منظومه «ویس و رامین» است. از نتایج پژوهش، می‌توان به این اشاره کرد که منظومه «ویس و رامین» به‌عنوان یکی از آثار ادبی و تاریخی برجسته ایران، دارای عناصر فراوانی از عشق، عرفان و اسطوره‌شناسی است که تأثیرگذاری قابل‌توجهی بر ادبیات و فرهنگ ایرانی داشته‌است. نظامی، با بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های عرفانی در ویس و رامین، به خلق آثاری پرداخته‌است که نمایانگر عمق تفکر و اندیشه عرفانی اوست. این تأثیرپذیری نشان‌دهنده ارتباط و پیوستگی عمیق بین آثار بزرگ ادبیات فارسی و تداوم و تکامل مباحث عرفانی در طول زمان است.

کلیدواژه‌ها: عرفان، تأثیرپذیری، نظامی، ویس و رامین.

۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران. نویسنده مسئول:

hooshmandesfandyarpour@gmail.com

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۱- پیشگفتار

سرگذشت و حیات و تاریخ پر فراز و نشیب ایران در دوره‌های مختلف باعث شکل گرفتن فرهنگ و ادبیاتی پربار و غنی و زیبا شده‌است. حتی با نگاهی کوتاه و گذرا به آثار فرهنگی و ادبی فارسی می‌توان دریافت که این گنجینه بزرگ تا چه حد، انسان را به شناختی درست و معرفتی حقیقی رهنمون می‌سازد. «مجموعه ادبیات فارسی سرشار است از مضامین پربار و غنی و مهم و قابل توجه، حکایات دل انگیز، داستان‌های پند آموز، سخنان شیرین عالمان و شاعران و عارفان در زمینه‌های مختلف اعم از عشق و عرفان و معرفت حقیقی فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها که بی شک اعماق وجود هر انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آمیختگی زبان و ادبیات کهن فارسی با افکار و اندیشه‌های بزرگ دینی و عرفانی با ظهور اسلام رنگ و جلایی تازه‌تر یافت و تأثیر آن را دوچندان کرد» (خان محمدی، ۱۳۹۴: ۱۵).

نظامی گنجوی، شاعر بزرگ قرن ششم هجری قمری، یکی از برجسته‌ترین نمایندگان مکتب عرفانی در ادبیات فارسی است. اشعار وی، به‌ویژه پنج گنج (خمسه)، نمایانگر عمق تفکر عرفانی اوست. (صفا، ۱۳۷۴: ۲۱۹) او در آثار خود به مفاهیم والای عشق، معرفت و سلوک عرفانی پرداخته و توانسته‌است از طریق زبان شعر به بیان این مفاهیم بپردازد. منظومه‌های او همچون «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین» و «هفت پیکر» هر کدام به‌نوعی نمایانگر این تفکر هستند.

«ویس و رامین» یکی از کهن‌ترین رمان‌های عاشقانه ادب فارسی و «مربوط به دوره سلسله اشکانی در ایران قبل از اسلام است. فخرالدین اسعد گرگانی، این داستان را در قرن پنجم به دستور طغرل بیگ سلجوقی از زبان پهلوی به فارسی ترجمه کرد و سپس به نظم درآورد» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۷۴). منظومه «ویس و رامین» در عین سادگی دربردارنده زیباترین اوصاف از عواطف و احساسات عاشق و معشوق و به هم درآمیختن ماهرانه اوصاف مجالس بزم و میادین رزم است. این اثر بخشی از اعتقادات، باورها و دیدگاه‌های دوره اشکانی را دربردارد. از آنجاکه این منظومه در دوره اسلامی به نظم درآمده و هم چنین شاعر آن مسلمان بوده‌است، علاوه بر تفکرات و باورهای عهد اشکانی تا حدودی دربردارنده و تأثیرپذیرفته از معارف، اندیشه‌ها و عرفان اسلامی است. منظومه به دلیل سبک و سیاق خاص خود و پرداختن به مباحث عرفانی و عاشقانه، تأثیر به‌سزایی بر شاعران و آثار بعدی داشته‌است. داستان ویس و رامین، با توجه به عناصر عرفانی و فلسفی که در آن نهفته‌است، همواره مورد توجه محققان و علاقمندان به ادبیات عرفانی بوده‌است.

نظامی گنجوی به عنوان یکی از شاعران تأثیرپذیر از ویس و رامین، در آثار خود از این منظومه بهره‌برده و به تعمیق و بسط مفاهیم عرفانی پرداخته‌است. در این مقاله، به بررسی مؤلفه‌های عرفانی که نظامی به تأثیر از ویس و رامین، به کار برده‌است، خواهیم پرداخت.

این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی چگونگی تأثیر بارقه‌های عرفانی منظومه «ویس و رامین» بر منظومه‌های نظامی می‌پردازد. و به این پرسش پاسخ می‌دهد:

مهمترین مضامین و مؤلفه‌های عرفانی اشعار نظامی که از منظومه «ویس و رامین» تأثیر پذیرفته‌است، چیست؟ به دلیل میراث ارزشمندی که در منظومه «ویس و رامین» و آثار نظامی وجود دارد، مورد توجه پژوهشگران بوده و مطالعات تطبیقی انجام شده‌است. از جمله:

افتخاری روزبهانی و همکاران (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی شرم در دو منظومه «ویس و رامین» و خسرو و شیرین. مطالعات ادبیات تطبیقی (ادبیات تطبیقی)، شماره ۶۰.

اقبال و قمری گیوی (۱۳۸۳). بررسی روان‌شناختی سه منظومه غنایی فارسی (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و ویس و رامین).

نجفی‌بهزادی (۱۳۹۹). بازنویسی خلاق یا ساده؟ (بررسی داستان‌های بازنویسی شده ویس و رامین، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون).

زارعی فرد و همکاران (۱۳۹۸). بررسی بازنمود واژه‌های زنانه در دو منظومه ی «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» از منظر زبان و جنسیت.

هوشمند (۱۳۸۷). مطالعه اولین دیدار در ادبیات فارسی: بیژن و منیژه، ویس و رامین، لیلی و مجنون. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که با وجود توجه به منظومه «ویس و رامین» و آثار نظامی، تاکنون، پژوهش تطبیقی پیرامون عرفان اسلامی در این آثار، انجام نشده‌است. این پژوهش به بررسی جامع تأثیرپذیری نظامی از بارقه‌های عرفانی در منظومه «ویس و رامین» می‌پردازد و این تحلیل را با تأکید بر عناصر ادبی و فرهنگی آن‌ها تازگی می‌بخشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱ عرفان اسلامی

عرفان اسلامی از شریعت اسلام سرچشمه می‌گیرد و «هدف غایی و نهایی آن نفوذ در مغز و اعماق مفاهیم جهان شمول دین و رسیدن به معنی و مقصود نهایی انبیاء می‌باشد که عبارت است از ساختن انسان والای متعهد، مسئول و متقی، عاری از تعصبات جاهلانه و بی‌اساس و حب و بغض‌های پلیدی که حاصلی جز صدمه و خسران ندارد.» (زمانی، ۱۳۷۲: ۹۲/۱) «هدف متخلق شدن به اخلاق الله

و گرفتن خوی فرشتگان و عشق به معبود و معشوق ازلی و ابدی و همه مخلوق جهان هستی است که آفریده اویند صرف‌نظر از رنگ و نژاد و باورها و اعتقادات آن‌ها» (سجادی، ۱۳۷۵: ۱۲۹)

عرفان به‌عنوان یکی از جوانه‌های فکری و معرفتی در اسلام، بر روی ارتباط فردی با خدا تأکید دارد و برپایه تجربه‌های مستقیم و شخصی در تلاش برای فهم نیازهای روحی و معنوی انسان استوار است. این مکتب، پرورش‌یافته از آرای انبیا و اولیای الهی، توجه زیادی به مسائل مربوط به وحدت و وحدانیت، و معرفت انسان با خدا دارد و بر تجربه شخصی و عملی مؤکد است.

۲-۲ منظومه ویس و رامین

منظومه «ویس و رامین» اثری است ادبی و اسطوره‌ای در دوره اسلامی و سرودهٔ اسعد گرگانی است. «فخرالدین اسعد گرگانی شاعر داستانگوی ایرانی نیمه نخست سده پنجم هجری است. ولادت او در آغاز قرن پنجم هجری در گرگان و چنانچه پسوند وی نشان‌می‌دهد اهل گرگان بوده‌است. وفات فخرالدین اسعد بعد از سال ۴۴۶ و گویا در اواخر عهد طغرل سلجوقی اتفاق افتاده‌است.» (بابا صفری، ۱۳۹۲: ۵۹۳) اسعد گرگانی این منظومه را «به خواهش ابوالفتح مظفر نیشابوری حاکم اصفهان در ۹۰۱۲ بیت به نظم درآورد و آن را در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن یا فعولن) منظوم ساخته‌است.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۹)

داستان منظومه «ویس و رامین» را بعضی به دوره ساسانی نسبت داده‌اند. این داستان خصومت دو خاندان پارتی یکی شرق و دیگری از غرب با یکدیگر است. البته وجود قلمروهای کوچک و سوابق فتودالی موجود از نظر زمانی، نسبت داستان را به دوره پارت‌ها بیشتر می‌کند. طرح قصه، با مبارزه عشق و شرف میان دو خانواده حاکم از خاندان قارن است در این داستان پایگاه قدرت آن‌ها، شهر باستانی همدان در قلمرو ماد است. طرف مقابل آن‌ها موبد منیکان، پادشاه مرو است. (کریس، ۱۳۹۷: ۷۸)

منظومه «ویس و رامین» تنها سرودهٔ منظومه فخرالدین اسعد گرگانی است اما از بسیاری از جهات بی‌همتا و درخور توجه است. او در سرودن این داستان مهارتی فوق‌العاده از خود نشان داده‌است. کتاب را با زبانی ساده اما استوار آمیخته با زیبایی‌های طبیعی شعر و با تأثیر از ضرب‌المثل‌ها، عقاید عامه، رسوم، افسانه‌ها و مطالبی از این دست به نظم در آورده‌است.

۲-۳ معرفی و جایگاه ادبی نظامی

حکیم جمال‌الدین ابوحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌ای (گنجوی) از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است. «محل تولد او را همه تذکره‌نویسان گنجه دانسته‌اند. نظامی در سال ۵۱۹ق، در گنجه متولد شد و در سال ۶۰۲ از دنیا رفت» (صفا، ۱۳۷۴: ۳۱۵).

با آنکه نظامی افسانه‌ساز و داستان‌پرداز است و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون او، عشق آتشین مادی را بیان می‌کند، با مهارت در همه موارد، عشق پاک را ستایش کرده و عفت و پاکدامنی را به سرحد کمال ستوده و بی‌عفتی را نکوهش کرده است. «نظامی روح داستانی را که موضوع شعرش بوده درک می‌کرده و به‌علاوه چنان در آن غرق شده و احساس و تخیل و اندیشه وی با تاروپود داستان درآمیخته است که صداقت و اصالتی بارز از شعر او می‌تراود. به عبارت دیگر، گویی همه احوال اشخاص داستان و فراز و نشیب حیات آنان و برخوردها و حوادث ناشی از آن را خود لمس و تجربه کرده و به قلم آورده است؛ به‌خصوص در داستان‌پردازی که اشخاص گوناگون با عواطف و افکار متفاوتی مطرح هستند و موضوع مستلزم شرح جنبه‌های مختلف زندگی است» (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

نظامی یکی از شاعران برجسته ادبیات فارسی در دوره اسلامی است که به‌ویژه با منظومه‌هایش شناخته شده است. او به شیوه‌ی خود، مفاهیم عرفانی و اسطوره‌ای را در آثار خود به‌تصویر کشیده و از این طریق به‌نحوی بر جریان ادبی زمان خود تأثیر گذاشته است. نظامی به‌عنوان یکی از نخبگان ادبیات فارسی، توانسته است آثاری با ارزش و میراثی ماندگار را برای فرهنگ ایرانی به ارمغان بیاورد.

۳- بررسی مضامین عرفانی در اشعار نظامی

افکار و اندیشه‌های نظامی، همچون شخصیت او، بسیار قابل توجه و دارای نکاتی مهم است. نظامی از دو نوع اندیشه در انتهای قرن ششم تأثیر گرفته است: یکی اندیشه‌های عرفانی و دیگری اندیشه‌ای که قدری حکمت یونانی و فلسفه را دنبال می‌کند. شخصیت نظامی، یک شخصیت مرکب و تلفیقی است. او صادق، پارسامنش و گوشه‌نشین است و به فرهنگ علاقه‌مند و یک مسلمان معتقد به قهرمان‌های ایرانی است؛ پایبند و علاقه‌مند به شاهنامه و حماسه‌های گذشته ایران. در عین حال، یک شخصیت دوگانه در نظامی نمودار است؛ هم زاهدمنش و هم حُسن‌دوست. نظامی خود می‌گوید که هیچ‌وقت لب به شراب نزده است، درحالی‌که در آن زمان در بین عده‌ای نوشیدن شراب رایج بود و گروهی به میگساری می‌پرداختند. نظامی در همه نصیحت‌هایی که به فرزندش دارد یا مسائلی که در مخزن‌الاسرار پیش آورده، روح عارفانه خود را نشان می‌دهد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۶).

نظامی در سیر طبیعی داستان خسرو و شیرین هرگاه امکانات اجازه دهد نظریات اخلاقی و حکمت خویش را بیان می‌دارد از مجموع سخنان نظامی این‌طور برمی‌آید که جهان و نظام هستی بر مبنای اصولی منظم آفریده شده است و همه چیز دارای حساب و کتاب است. (ثروت، ۱۳۷۰: ۷۰)

شعر نظامی گنجوی مملو از مضامین و مؤلفه‌های عرفانی است که هریک به‌نوعی به تبیین و ترویج آموزه‌های معنوی و اخلاقی می‌پردازند. عشق الهی، توحید، فنا فی الله، مراقبه و تزکیه نفس، و زهد و پارسایی از جمله مهمترین این مضامین هستند که نظامی با استفاده از زبان شعری زیبا و پرمغز خود به آن‌ها پرداخته است.

نظامی به خداوند به‌عنوان مبدع و آفریدگار وجود اشاره می‌کند و می‌گوید:

هستی و نیست مثل و مانندت عاقلان جز چنین ندانندت

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۷۳)

این بیان نشان می‌دهد که خداوند به‌تنهایی موجود است و هیچ موجود دیگری مثل او نیست. این تفکر عرفانی در اسلام به توحید یا وحدت وجود اشاره دارد که خداوند به‌تنهایی موجود است و همه چیز از اوست. شعر نظامی به تفصیل بیان می‌کند که همه موجودات و هستی‌ها به خداوند بستگی دارند و از او می‌روند. به‌عنوان مثال:

هست بود همه درست به تو بازگشت همه به توست، به تو

(همان)

این بیان نشان می‌دهد که خداوند مرجع اصلی وجود است و همه موجودات به سوی او بازمی‌گردند. این مفهوم در عرفان اسلامی به وجودشناسی و وابستگی مطلق موجودات به خداوند اشاره دارد.

این دو مضمون عرفانی در شعر نظامی، علاوه بر زیبایی‌های ادبی، نشان‌دهنده عمق فرهنگ و اعتقادات او به خداوند و عرفان اسلامی هستند. این شعر به‌وضوح نشان می‌دهد که نظامی گنجوی چگونه اصول مهم دینی و عرفانی را در قالب شعر خود بیان و بازتاب داده است.

در منظومه لیلی و مجنون شکواییه‌هایی به‌چشم می‌خورد که نمونه‌ای از آن در زیر می‌آید.

روزی دو به دو نشسته بودند شادی و نشاط می نمودند

مجنون زشکایت زمانه بیتی دو سه گفت عاشقانه

کای فارغ از اه دردناکم بر باد فریب داده خاکم

صد وعده مهر داده پیشی با نایم وفا نکرده خویشی

پذرفته که پیشت اورم نوش پذیرفته خود شدت فراموش

آورده مرا به دل فریبی واداده به دست ناشکیبی

دادیم زبان به مهر و پیوند و امروز همان کنی زبان‌بند

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۲۷)

در این شعر از نظامی گنجوی، مفاهیم عرفانی و انسانی برجسته‌ای وجود دارد. با نگاهی دقیق‌تر به ابیات، می‌توان مضامین زیر را استخراج و تحلیل کرد:

۱. شکایت از ناپایداری دنیا

نظامی با بیان اینکه بر باد فریب داده خاکم، به ناپایداری و فریبندگی دنیا اشاره می‌کند. در عرفان اسلامی، دنیا به عنوان سرایی فانی و مملو از فریب دیده می‌شود که نباید دل به آن بست.

۲. انتقاد از بی‌وفایی و خیانت

صد وعده مهر داده پیشی / با نیم وفا نکرده خویشی نشان‌دهنده بی‌وفایی و خیانت انسان‌هاست. این مفهوم در عرفان به این اشاره دارد که انسان‌ها نباید به تعلقات دنیوی و وعده‌های انسان‌های دیگر اعتماد کامل داشته باشند و باید تمرکز خود را بر ارتباط با خداوند بگذارند.

۳. سرزنش خود برای اعتماد به دنیا

پذرفته که پیشت آورم نوش / پذیرفته خود شدت فراموش بیانگر سرزنش خود برای اعتماد و تکیه بر دنیا و فراموش کردن حقیقت الهی است. در عرفان، این موضوع اهمیت زیادی دارد که انسان باید از خواب غفلت بیدار شده و به سوی حقیقت الهی حرکت کند.

۴. انتقال از عشق مجازی به عشق حقیقی

آورده مرا به دل فریبی / واداده به دست ناشکیبی به مفهوم عشق مجازی و فریبی که انسان‌ها را از عشق حقیقی که عشق به خداوند است، دور می‌کند، اشاره دارد. این مسئله در عرفان بسیار مهم است زیرا عشق مجازی می‌تواند سد راه سالک شود.

۵. انتقاد از ناهمخوانی بین وعده و عمل

دادیم زبان به مهر و پیوند / و امروز همان کنی زبان‌بند نشان می‌دهد که وعده‌های داده شده با عمل همراه نبوده‌اند. در عرفان، اهمیت زیادی به صداقت و یکپارچگی بین گفتار و رفتار داده می‌شود. وعده‌های بدون عمل، انسانی را از مسیر حقیقت دور می‌کند.

این مضامین در کنار هم نشان‌دهنده یک نقد عمیق از زندگی دنیوی، فریب‌ها، بی‌وفایی‌ها و عشق‌های مجازی هستند که مانع از رسیدن به حقیقت و عشق حقیقی که همان عشق به خداوند است، می‌شوند. این شعر نه تنها از نظر ادبی زیباست، بلکه از لحاظ عرفانی نیز دارای معانی عمیق و مهمی است.

۴- تأثیرپذیری نظامی از عرفان منظومه «ویس و رامین»

تأثیرپذیری نظامی، از منظومه ویس و رامین، به‌ویژه در سرودن منظومه‌های عاشقانه لیلی و مجنون و خسرو و شیرین، کاملاً مشهود است به‌نحوی که می‌توان ادعا کرد نظامی، برای تحریر این دو منظومه، از «ویس و رامین» الهام گرفته‌است، اما جنبه‌های عرفانی و مؤلفه‌های عرفانی که در اشعار نظامی به چشم می‌آید نیز، گاهی سرچشمه آن، منظومه «ویس و رامین» است:

۴-۱-۱-۱ مناجات

گفتگو و راز و نیاز با خداوند بزرگ، جزو زیباترین بخش‌های آثار ادبی محسوب می‌شود که بسیار تأثیرگذار، زیبا، دل‌انگیز و پر از شور و احساس است. در بعضی از کتب ذکر شده‌است که برخی از سوگندنامه‌ها و اشعاری که شاعر در آن به خدا سوگند می‌خورد، از فروع مناجات، است» (شمیسا، ۱۳۹۴: ۲۴۲) مناجات و عرفان ارتباطی عمیق و بنیادین با یکدیگر دارند. مناجات، تلاشی است برای نزدیک شدن به خداوند از طریق دعا، ذکر، و گفت‌وگو با او. این عمل، قلب و روح انسان را به سوی خداوند متوجه می‌کند و فرصتی را فراهم می‌آورد تا فرد به تأمل و تفکر درونی بپردازد. از سوی دیگر، عرفان نیز سفری معنوی است که در آن فرد به دنبال شناخت و قرب بیشتر به خداوند است. عارفان از طریق ریاضت، مراقبه، و اعمال عبادی، مانند مناجات، سعی می‌کنند حجاب‌های میان خود و خدا را از میان بردارند و به وحدت وجودی برسند.

در این زمینه، مناجات می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم عرفانی در نظر گرفته شود که به عارف کمک می‌کند تا به حالتی از خلوص و آرامش دست یابد و در نهایت، تجربه‌های عمیق معنوی را تجربه کند. بسیاری از متون عرفانی، سرشار از مناجات‌ها و دعاها هستند که توسط عارفان بزرگ نوشته شده‌اند و نشان‌دهنده اهمیت این عمل در سلوک عرفانی است. به‌طور کلی، مناجات یکی از راه‌های مهم و مؤثر برای تقویت رابطه فرد با خداوند و پیمودن راه‌های معنوی در عرفان است.

در منظومه‌های «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی، مناجات‌های طولانی و بسیار زیبای شاعران در ابتدای کتاب، دیده می‌شود.

سپاس و افرین ان پادشاه را	که گیتی را پدیدآورد و ما را
بدو زیباست ملک پادشاهی	که هرگز ناید از ملکش جدایی
خدای پاک و بی‌همتا و بی‌یار	هم از اندیشه دور و هم ز دیدار
نه بتواند مر او را چشم دیدن	نه اندیشه در او داند رسیدن

نشانید وصف او گفتن که چون است که از تشبیه و وصف او برونست

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۱۹)

نظامی نیز در ابتدای منظومه‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون مناجات‌های زیبایی آورده و اشعار خود را به این مناجات‌ها آراسته‌است که در زیر به نمونه‌هایی از ابیات آغازین آن‌ها اشاره می‌شود:

خداوندا در توفیق بگشای	نظامی را ره تحقیق بنمای
دلی ده کو یقینت را بشاید	زبانی کافرینت را سیراید
مده ناخوب را بر خاطر م راه	بدار از ناپسندم دست کوتاه
دروزم را به نور خود برافروز	زبانم را ثنای خود بیاموز
به داوودی دلم را تازه گردان	زبورم را بلندآوازه گردان

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

یا در جایی دیگر آورده که:

خدایا چون گل ما را سرشتی	وثیقت نامه‌ای بر ما نوشتی
به ما بر، خدمت خود فرض کردی	جزای آن به خود بر قرض کردی
چو ما با ضعف خود در بند انیم	که بگزاریم خدمت تا توانیم
تو با چندین عنایت‌ها که داری	ضعیفان را کجا ضایع گذاری
بدین امیدهای شاخ در شاخ	کرم‌های تو ما را کرد گستاخ

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

نظامی در ابتدای لیلی و مجنون نیز به همان شیوه را به کار برده:

ای نام تو بهترین سراغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای کارگشای هرچه هستند	نام تو کلید هرچه بستند
ای هرچه رمیده ارمیده	در کن فیکون تو افریده

در صنع تو کامد از عدد بیش عاجز شده عقل علت‌اندیش

(نظامی، ۱۳۹۱: ۲۳ تا ۲۶)

اسعد گرگانی با سپاسگزاری و آفرین، خداوند را به‌عنوان پادشاهی که جهان و انسان را آفریده، ستایش می‌کند. نظامی نیز با سپاسگزاری و طلب هدایت از خداوند، مناجات خود را آغاز می‌کند. در منظومه ویس و رامین، به توحید و بی‌همتایی خداوند اشاره می‌شود که از هرگونه تشبیه و توصیف انسانی فراتر است. نظامی نیز به توحید و یکتایی خداوند اشاره می‌کند و نام او را بهترین سرآغاز می‌داند.

گرگانی به عدم توانایی انسان در دیدن و درک کامل خداوند اشاره می‌کند. نظامی نیز به عظمت صنع خداوند و عجز عقل انسانی در درک کامل آن اشاره می‌کند. از حیث اسلوب، زبان منظومه «ویس و رامین» در مناجات‌هایش ساده و روان است و مخاطب به‌راحتی می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند. نظامی نیز از زبان ساده و روان در مناجات‌های خود استفاده کرده‌است که نشان‌دهنده تأثیر سبک نگارش اسعد گرگانی بر او است. توصیف‌های دقیق و عمیق از خداوند و صفات او در مناجات‌های منظومه «ویس و رامین» به‌چشم می‌خورد. نظامی نیز از توصیف‌های دقیق و عمیق در مناجات‌های خود بهره‌برده‌است، مانند توصیف عظمت صنع خداوند و عجز عقل انسانی.

تأثیر منظومه «ویس و رامین» اسعد گرگانی بر اشعار نظامی گنجوی، به‌ویژه از حیث مضامین عرفانی و جنبه‌های گوناگون عرفان اسلامی، کاملاً مشهود است. نظامی همانند گرگانی به توحید، تنزیه، و یکتاپرستی خداوند پرداخته و به‌زیبایی از عدم توانایی انسان در درک کامل خداوند سخن گفته‌است. همچنین نیازمندی و توکل به خداوند در هر دو شاعر به‌وضوح بیان شده‌است.

نظامی گنجوی با الهام از این مضامین و افزودن ذوق و تبحر خود در سرودن شعر، مناجات‌های زیبایی در ابتدای منظومه‌های خود آورده که نشان‌دهنده تأثیرپذیری از اسعد گرگانی است. این تأثیرپذیری نه تنها در مضامین عرفانی، بلکه در ساختار و سبک مناجات نیز قابل مشاهده است.

۴-۲ اندرز

شاید در ادبیات فارسی کمتر اثری از شاعران و نویسندگان را می‌توان یافت که از نکات اخلاقی و پند و اندرز و نصایح آموزنده خالی باشد. ایرانیان از گذشته تا امروز نشان داده‌اند مردمانی هستند پای‌بند به اصول و شعائر مذهبی و معتقد به اخلاق و جایگاه والای انسانیت، شرافت، بزرگ منشی و جوانمردی؛ تمام موارد ذکر شده را می‌توان در جای‌جای متون ادبی فارسی مشاهده کرد.

در عرفان، هدف نهایی رسیدن به شناخت و قرب به خداوند است، و پند و اندرز به‌عنوان ابزاری مؤثر در این مسیر عمل می‌کند. پند و اندرزها اغلب توسط مشایخ و اساتید عرفان به مریدان داده-

می‌شود تا آن‌ها را در مسیر صحیح عرفان هدایت‌کنند. این هدایت می‌تواند در قالب نصایح اخلاقی، راهنمایی‌های عملی و توصیه‌های رفتاری باشد که به سالک کمک می‌کند تا از لغزش‌ها و انحرافات دوری کند و به سوی کمال روحی و معنوی حرکت کند. پند و اندرزها به تزکیه و تصفیه نفس کمک می‌کنند. عرفان تأکید بسیاری بر پالایش درونی و رهایی از صفات رذیله دارد. از طریق پندهای اخلاقی و اندرزهای معنوی، سالک به فضایل اخلاقی تشویق و از رذایل دور می‌شود. این فرآیند تزکیه نفس، زمینه‌ساز تقرب به خداوند و رسیدن به معرفت الهی است.

اندرزها اغلب شامل توصیه‌هایی برای تقویت ایمان و عشق به خداوند هستند. این توصیه‌ها می‌توانند سالک را به تمرین‌های عبادی، ذکر، مراقبه و تفکر درباره خداوند تشویق‌کنند. از طریق این تمرین‌ها، ارتباط و اتصال روحی سالک با خداوند تقویت می‌شود.

موضوعاتی چون رسیدن به آسانی و شادمانی با عبور از رنج و سختی، بی‌ارزش و ناپایدار بودن جهان، خوبی‌ها و بدی‌ها و نتایجی که به دنبال دارند، همچنین اهمیت دانایی، صبر و شکیبایی از موضوعات مطرح‌شده در قالب پند و اندرز در این داستان هستند که به چند نمونه آن در زیر اشاره می‌شود:

ز اسانی نیایی شادمانی	ز بی‌رنجی نیایی کامرانی
بدان را بد بود روزی سرانجام	بماند نامشان جاوید بدنام
مکن بد در جهان و بد میندیش	کجا گر بد کنی به ایدت پیش

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۳۶۵ - ۳۶۹)

و یا درباره بی‌ارزش بودن جهان، از زبان انوشیروان در قالب گفتار او:

چه نیکو گفت نوشروان عادل	چو پیری زد مر او را تیر بر دل
ز پیری این جهان ان کرد با من	که نتوانست کردن هیچ دشمن
به گیتی باز کردم ای عجب پشت	شکست او پشت من انکه مرا کشت
اگرچه ویسه از گیتی وفا دید	هم او از گردش گیتی جفا دید
چنان با گردش گیتی زبون شد	که هفت اندامش از فرمان برون شد

(همان: ۳۶۹)

هم چنین اهمیت دانایی صبر و شکیبایی نیز یکی از موضوعاتی است که در این منظومه به آن اشاره شده و شاعر در جریان داستان این گونه اشاره کرده که یکی از دوستان خردمند و دانای رامین،

شخصی به نام به‌گوی از اهالی منطقه خراسان و از منجمان بزرگ آنجا بوده‌است. در داستان اشاره شده که او هموار به نزد رامین می‌آمده و پند و نصایح ارزشمندی را به او گوشزد می‌کرده‌است. در منظومه‌های عاشقانه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون بخشی‌هایی جداگانه با عنوان حکمت، موعظه و پند و اندرز آورده‌است. شاید بتوان گفت در بین همه سخنان حکیمانه او در جای‌جای منظومه‌هایش، زیباترین و نغزترین نصایح را در ابتدای منظومه عاشقانه لیلی و مجنون با عنوان در نصیحت فرزند خویش آورده‌است:

نشاطی پیش از این بود ان قدم رفت	غروری کز جوانی بود هم رفت
حدیث کودکی و خودپرستی	رها کن ان خیالی بود مستی
چو عمر از سی گذشت و یا خود از بیست	نمی‌شاید دگر چون غافلان زیست
نشاط عمر باشد تا چهل سال	چهل رفته فروریزد پر و بال
پس از پنجه نباشد تندرستی	بصر کندی پذیرد، پای سستی
به هشتاد و نود چون در رسیدی	بسا سختی که از گیتی کشیدی
پس ان بهتر که خود را شاد داری	در ان شادی خدا را یاد داری
بیاموزم تو را گر کاربندی	که بی‌گریه زمانی خوش بخندی
چو خندان گردی از فرخنده‌فالی	بخندان تنگدستی را به مالی
نبینی افتاب اسـمان را	از ان خندد که خنداند جهان را

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۴۲ - ۱۴۳)

نظامی در این قسمت فرزند خود محمد که او را قره‌العین خطاب کرده و احتمالاً در زمان سرودن این منظومه بنابه گفته خود نظامی، چهارده‌ساله بوده، پندهایی ارزشمند داده‌است. پندهایی که معانی وسیع و گسترده‌ای را خطاب به همگان و در همه زمان‌ها دارد. پند و اندرز در عرفان نه تنها به‌عنوان راهنمایی و هدایت برای سالکان عمل می‌کند، بلکه به تزکیه نفس، ایجاد بصیرت، تقویت ایمان و عشق به خداوند، تربیت روحانی و ایجاد انسجام اجتماعی و معنوی کمک می‌کند. این عناصر نشان‌دهنده ارتباط عمیق و حیاتی پند و اندرز با عرفان و مسیر عرفانی است.

هر دو شاعر (گرگانی و نظامی) بر ناپایداری دنیا و گذر عمر تأکید دارند. نظامی این مضمون را جامع‌تر بیان کرده و با توضیح مراحل مختلف زندگی، به‌ویژه در دوران پیری، به پند و اندرز پرداخته‌است. «ویس و رامین» نیز با اشاره به پیری و گذر عمر، تأثیرات زوال و پیری را به‌تصویر کشیده‌است.

هر دو شاعر به اهمیت انجام نیکی و پرهیز از بدی تأکید دارند. در ویس و رامین، این مفهوم مستقیم بیان شده است. در نظامی، این اندرز به شیوه‌ای زیباتر و با بیان اینکه خنده و شادی آفتاب (نشانه نیکی) باعث شادی دیگران می‌شود، آمده است. این نشان‌دهنده عمق بیشتر اندیشه‌های عرفانی در آثار نظامی است.

هر دو شاعر از مثال‌های تاریخی و اخلاقی برای بیان پند و اندرز استفاده کرده‌اند. گرگانی با استفاده از شخصیت نوشروان عادل و نظامی با توصیه‌های مستقیم و داستانی، به مخاطب خود پند می‌دهند. این روش بیان باعث ماندگاری بیشتر پند و اندرز در ذهن خواننده می‌شود.

۴-۳ شکوه

شکایت و شکوه در ادبیات و عرفان دارای جایگاه و اهمیت خاصی هستند و می‌تواند وسیله‌ای برای بیان درد و رنج‌ها، تضرع و تذکر به خداوند، و همچنین تقویت رابطه معنوی با خداوند باشد. در عرفان نیز بیان درد و رنج‌ها یکی از راه‌های تقرب به خداوند و نشان‌دادن نیاز و وابستگی به اوست. شاعران عرفانی با شکایت از دنیای مادی و مشکلات آن، توجه خود را به سوی خداوند جلب می‌کنند و از او طلب یاری و رهایی می‌کنند. شکایت در ادبیات عرفانی معمولاً با تضرع و طلب یاری از خداوند همراه است. عرفا با بیان مشکلات و دردهای خود به خداوند، از او درخواست کمک و هدایت می‌کنند. این شکایت‌ها نشان‌دهنده عجز و ناتوانی انسان در برابر مشکلات در عین حال، بیانگر امید و اعتماد به قدرت و رحمت الهی است. در عرفان، شکایت می‌تواند وسیله‌ای برای تذکر و خودشناسی باشد. عرفا با شکایت از وضعیت خود و دنیا، به نقایص و کمبودهای خود پی می‌برند و درصدد اصلاح و بهبود وضعیت روحی و معنوی خود برمی‌آیند. این شکایت‌ها به عنوان یک ابزار تربیتی عمل می‌کنند که سالک را به سوی کمال و تعالی هدایت می‌کنند.

شکایت و شکوه در ادبیات عرفانی به عنوان وسیله‌ای برای بیان درد و رنج‌های انسانی، تضرع و طلب یاری از خداوند، و تقویت رابطه معنوی با خداوند عمل می‌کند. به همین ترتیب، در منظومه‌های «ویس و رامین» اسعد گرگانی و آثار نظامی گنجوی نیز، شکوه و شکایت‌های عرفانی نقش مهمی دارند. بررسی جنبه‌های عارفانه این اشعار می‌تواند به روشن شدن تأثیرپذیری نظامی از «ویس و رامین» کمک کند.

در اشعار ویس و رامین، بیان درد و رنج‌های انسانی به وضوح دیده می‌شود. شخصیت‌های این منظومه از مشکلات و ناملایمات زندگی شکایت می‌کنند و این شکایت‌ها بیانگر احساسات عمیق و تجربه‌های سختی‌های زندگی است. مثال:

ندیدی تو مرا روز جوانی میان کام و ناز و شادمانی

(گرگانی، ۱۳۸۹: ۴۵ - ۴۶)

کنون عمرم به پاییزان رسیدست بهار نیکویی از من رمیدست

(همان)

در برخی اشعار، تضرع و طلب یاری از خداوند به چشم می‌خورد. این تضرع‌ها نشان‌دهنده وابستگی شخصیت‌ها به قدرت الهی و امید به یاری و رحمت خداوند است:

خدایا چاره بیچارگانی مرا و جز مرا چاره تو دانی

(همان: ۱۶۷)

در اشعار نظامی نیز، بیان درد و رنج‌های انسانی و مشکلات زندگی مشاهده می‌شود. این شکایت‌ها غالباً به منظور بیان احساسات عاشقانه و ناکامی‌های عشق به کار می‌روند:

کدامین ساعت از من یادکردی کدامین روزم از خود شادکردی

(نظامی، ۱۳۸۶: ۳۷۶)

نظامی نیز از تضرع و طلب یاری از خداوند برای بیان احساسات عمیق عاشقانه و نیاز به یاری الهی استفاده می‌کند:

من ان مرغم که بر گل‌ها پریدم هوای گرم تابستان ندیدم

نه دستی کاین جرس برهم توان‌زد نه غمخواری که با او دم توان‌زد

(همان: ۳۸)

نظامی با تأثیرپذیری از ویس و رامین، مضامین عرفانی را تقویت کرده و به شکوه‌های عرفانی خود جنبه‌های عمیق‌تری بخشیده است. او با استفاده از بیان درد و رنج‌های عاشقانه و تضرع به خداوند، تلا-ش می‌کند تا رابطه معنوی بین عاشق و معشوق را برجسته‌تر کند.

۵- نتیجه گیری

ادبیات عرفانی فارسی، یکی از غنی ترین و متنوع ترین ادبیات های جهان است که در آن مفاهیم والای عشق، سلوک، فراق و وصال، معرفت الهی، شوق و اشتیاق، استغنا و بی نیازی، و فنا و بقا جایگاه ویژه ای دارند. نظامی گنجوی به عنوان یکی از شاعران بزرگ این مکتب، با الهام از منظومه «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی، به تعمیق و بسط این مفاهیم در آثار خود پرداخته است. او با بهره گیری از عناصر و مؤلفه های عرفانی در ویس و رامین، به خلق آثاری پرداخته است که نمایانگر عمق تفکر و اندیشه عرفانی اوست. این تأثیرپذیری نشان دهنده ارتباط و پیوستگی عمیق بین آثار بزرگ ادبیات فارسی و تداوم و تکامل مباحث عرفانی در طول زمان است.

منظومه «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی به وضوح بر مناجات های نظامی گنجوی در ابتدای منظومه های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون تأثیر گذاشته است. از حیث محتوا، هر دو شاعر به توحید، یکتاپرستی، تنزیه خداوند، و نیازمندی انسان به هدایت الهی پرداخته اند. از حیث اسلوب، نظامی از ساختار مناجات های گرگانی، استفاده از قافیه و ردیف، زبان ساده و روان، و توصیف های دقیق و عمیق تأثیر پذیرفته است. تأثیرپذیری نظامی از «ویس و رامین» در مضامین و اسلوب پند و اندرز عارفانه نیز کاملاً مشهود است. نظامی با الهام از مضامین اصلی «ویس و رامین» مانند ناپایداری دنیا، گذر عمر، پرهیز از بدی و انجام نیکی، و یاد خدا و نیکی، به این مفاهیم عمق بیشتری بخشیده و آن ها را با اسلوب خاص خود تقویت کرده است. استفاده از مثال های تاریخی و اخلاقی نیز نشان دهنده تأثیرپذیری نظامی از اسلوب گرگانی در بیان پند و اندرز است. به این ترتیب، می توان گفت که «ویس و رامین» منبعی الهام بخش برای نظامی در تقویت مضامین عرفانی و پند و اندرز در آثارش بوده است. نظامی همچنین با تأثیرپذیری از ویس و رامین، توانسته است با استفاده از اسلوب شکایت و شکوه، به بیان عمیق تر احساسات عاشقانه و تضرع به خداوند پردازد.

منابع

۱. بابا صفری، علی اصغر. (۱۳۹۲). فرهنگ داستان‌های عاشقانه ادب فارسی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. ثروت، منصور. (۱۳۷۰). گنجینه حکمت در آثار نظامی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳). از رودکی تا بهار (جلد دوم). چاپ اول. تهران: نغمه زندگی.
۴. خان محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۴). چشم‌اندازی بر ادبیات غنایی ایران. چاپ اول. قم: مهر امیرالمؤمنین.
۵. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴). با کاروان حله. چاپ نهم. تهران: علمی.
۶. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات و تعبیر عرفانی. چ ۳. تهران: طهوری.
۷. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). آشنایی با عروض و قافیه. چاپ شانزدهم. تهران: فردوس.
۸. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). انواع ادبی. چاپ چهارم. تهران: میترا.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات ایران (جلد اول). چاپ چهاردهم. تهران: ققنوس.
۱۰. کریتیس، وستا سرخوش. (۱۳۹۷). اسطوره‌های ایرانی (ترجمه عباس مخبر). چ ۱۲. تهران: مرکز.
۱۱. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۸۹). «ویس و رامین» (با تصحیح و تحشیه محمد روشن). چاپ چهارم. تهران: صدای معاصر.
۱۲. نظامی گنجوی، جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف. (۱۳۸۴). هفت پیکر (تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی). چاپ اول. تهران: زوار.
۱۳. _____ . (۱۳۸۶). خسرو و شیرین (تصحیح و شرح بهروز ثروتیان). چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
۱۴. _____ . (۱۳۹۱). لیلی و مجنون (تصحیح و شرح بهروز ثروتیان). چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
۱۵. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۳). چشمه روشن. چاپ دهم. تهران: علمی.
۱۶. زمانی، کریم. (۱۳۷۲). شرح جامع مثنوی معنوی (جلد ۱). چاپ اول. تهران: اطلاعات.

